

کف و کوی سه ساعت با مدیر کل  
نامش احساسی تهران بزرگ

## مردم نباید پشت درهای بسته اتاق مدیران بمانند

ناصر مجید



مجید روزی فراخ

- در گفت و گویی که چهار ماه قبل با جناب آقای دکتر سلیمانی داشتیم ایشان گفتند که سیستم نرم افزاری سازمان به دلیل استفاده از ورژن های ناکارآمد دچار اختلال شده و موجبات ایجاد دردسر برای کافرماها و بیمه شدگان را فراهم آورده است. در حیطه فعالیت حضرت تعالی، به عنوان مدیر کل تهران بزرگ چگونه با این معضل برخورد می شود، آیا کماکان ورژن های ناراضی تراش به فعالیت خود مشغولند؟

قبل از پاسخ به سوال شما اجازه می خواهم توضیح مختصری در رابطه با اتوماسیون بدهم. حدود ۹ سال است از مکانیزه کردن امور سازمان می گذرد که کاری بود بس بزرگ و سخت ولی همکاران پر تلاش سازمان با صرف فعل خواستن و توانستن موفق به انجام این مهم شدند. این که می گویم کاری بزرگ، یک واقعیت است و ماهیت کار سازمان و گردش کارش بسیار گسترده و پیچیده است و تا کسی از نزدیک با فعالیت سازمان آشنا نباشد، عرض بنده را ممکن است غلو بدانند. در همین اداره کل تهران بزرگ که اینجانب افتخار مسوولیت آن را دارم بالغ بر ۱۹۰۰/۰۰ نفر بیمه شده اصلی و ۲۳۰ هزار نفر مستمری بگیز و بیش از ۳۰۰ هزار کارگاه را تحت پوشش خود دارد و به طور متوسط روزانه به هر یک از شعب ۳۱ گانه تهران بزرگ ۱۵۰۰ نفر ارباب رجوع مراجعه می کنند یعنی رقمی بیش از ۴۶۰۰۰ نفر در روز از شعب تهران بزرگ خدمات می گیرند و تمام امور نیز کاملاً توسط کامپیوتر صورت می گیرد و کار دستی در شعبه وجود ندارد. با این توضیح اذعان خواهید

یا دستور رسیدگی می دهد و صبح روز بعد، به دفتر کارش می برد که به ارباب رجوع بسپارد. می گوید: آن قدر که به کارهای اداری فکر می کنم، به امور خانواده توجهی ندارم تا جایی که گاهی همسرم به شوخی یا جدی می گوید:

آقا مجید، گاش ما هم ارباب رجوع بودیم! مجید روزی فراخ در ۱۶ خرداد ۱۳۳۰ در تبریز متولد شده و تا ۱۳۴۷ در زادگاه خود درس خوانده و پس از عزیمت به تهران در دبیرستان اتابک ادامه تحصیل داده است در سال ۱۳۵۲ خدمت نظام وظیفه را به پایان برده و در اسفند ماه همان سال به استخدام سازمان تامین اجتماعی در آمده و تحصیلات دانشگاهی را قبل از انقلاب در دانشگاه علوم پزشکی و پس از انقلاب در دانشکده علامه طباطبایی طی کرده و در سال ۱۳۶۴ تحصیلات عالی را به پایان برده است. سپس تا سال ۱۳۷۷ مدیر کل بیمه و درمان استان ایلام بوده و ۱۴ ماه بعد مدیر کل دفتر نظارت و ارزشیابی شده و از شهریور ماه ۱۳۷۹ تا به امروز با سمت مدیریت کل تهران بزرگ از ارکان اصلی سازمان تامین اجتماعی است.

هنرمند خوشنویسی است و بسیاری از امور خوشنویسی فرم های سازمان را به عهده داشته و دارد. اما خود می گوید من عضو کوچکی از خانواده بزرگ تامین اجتماعی هستم. همسری خوب و مهربان و چهار فرزند دارد که یکی پسر و سه تای دیگر دخترند. پسرش ازدواج کرده و دخترها یکی دانشجویی، یکی پیش دانشگاہی و آخری در سال اول راهنمایی است.

به آقای روزی فراخ می گویم:

خدمت به مردم و ایجاد ارتباط توأم با احترام بین بیمه شده، کارفرما، مستمری بگیز و سازمان تامین اجتماعی، التفات و اعتنا به حق و حقوق مردم از یک سو و تلاش و کوشش برای وصول مطالبات سازمان از کارفرمایان از سوی دیگر، از بارزترین خصیصه های مردی است که در باره اش می گویند: هیچ کس از دفتر کارش، ناراضی و ناامید بیرون نمی آید، حتی اگر بازنده ملاقات باشد او من خود شاهد بوده ام که شش روز پس از عمل جراحی قلب باز - که معمولاً یک ماه استراحت مطلق به دنبال دارد - در سازمان حضور یافته و با تحمل درد ناشی از عمل جراحی، لبخند زده و سعی کرده به مردم خدمت کند و درد جانگاش را پشت خنده های تاکتیکی و تصنیف پوشاندا و وقتی از او سوال کردم شما که این همه درد را تحمل می کنید چرا می خندید؟ جمله ای را بیان کرد که باید سر لوحه همه کارهای مدیریتی قرار گیرد:

مردم گناه ندارند که مدیر مریض شده، آنها گرفتارند و باید کارشان پیش برود آراستی، چند درصد مدیران ما، مانند مجید روزی فراخ، مدیر کل تامین اجتماعی تهران بزرگ فکر می کنند؟

او که روزانه حداقل ۱۲ ساعت در محل مدیریتش حضور می یابد و به رفع نیازها و مشکلات مردم می پردازد، هر شب که به خانه می رود و باید در زیر سقف اجتماع کوچک تر خود، پاسخگوی نیازهای روحی اعضای خانواده باشد، صدها نامه و تقاضا را بررسی و امضا می کند

کرد که کار، بدون اشکال و ایراد نخواهد بود. کافی است نیم ساعت در یک شعبه قطعی برق داشته باشیم و یا به هر علت ممکن است بعضا سیستم‌های سخت افزاری و نرم افزاری شعبه دچار ایراد و اشکال شوند تصور بفرمایید با این حجم ارباب رجوع چه مشکلاتی در شعبه به وجود خواهد آمد.

اما به طور مشخص در پاسخ سوال شما عرض می‌کنم با توجه به گستردگی و تنوع کار سازمان که در بالا اشاره کردم تعدد صدور بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها از سوی ستاد مرکزی بعضا اجتناب ناپذیر است. مثلا در همین سال گذشته علاوه بر امور جاریه چندین کار جدید به عهده سازمان گذاشته شد از جمله بازنگری پیش از موعد و سخت و زبان‌آور اجرای ماده ۹ و ۱۰ قانون نوسازی صنایع و بسیاری موارد دیگر که لازمه اجرای چنین طرح‌هایی صدور بخشنامه و دستورالعمل البته همزمان با برنامه نرم افزاری برای شعب است که متاسفانه در پاره‌ای مواقع نرم افزار مورد نظر همراه با بخشنامه به شعب ارسال نمی‌گردد و همان طور که مدیرعامل محترم سازمان هم در مصاحبه با ما اشاره نمودند مشکلاتی را برای شعب و بالطبع به گیرندگان خدمات تحمیل می‌کند که برای اصلاح این روند کتبا و شفاه با واحدهای ذی‌مدخل در سازمان بارها مکاتبه و گفته شده که اخیرا این وضعیت بهبود نسبی یافته و مشکلات کمتر شده است ولی هنوز وجود دارد.

**- اغلب گزارش‌های بازرسی عجولانه و در دسر آفرین است، آیا کارگزاری‌هایی که قرار است به زودی فعالیت خود را آغاز کنند، قادر به حل این مشکل خواهند بود یا فقط باید به فکر بالا بردن تعداد بیمه‌شدگان باشند؟ ضمنا بفرمایید که چه برنامه‌هایی جهت اجرایی کردن طرح کارگزاری‌های تامین اجتماعی دارید و تا چه اندازه به موفقیت این طرح فراگیر امیدوار هستید؟ آیا قرار است مردم و کارگزاری‌ها را به جان هم بیندازید و خودتان کنار گود بنشینید و نظاره‌گر جنگ و جدال هر روزه آنان باشید. آیا فکر نمی‌کنید که با اجرای این طرح، بیمه‌شدگان از چاله در بیایند و در چاه بیفتند؟**

اگر منظورتان این است که گزارش‌های بازرسی اشکال دارد باید بگویم که این گونه قضاوت منصفانه نیست. زیرا یکی از کارهای پر زحمت، پر استرس و خسته‌کننده مربوط به بازرسان کارگاه‌ها در شعب می‌شود که در سرمای زمستان و گرمای تابستان بلاانقطاع باید هر روز برابر لیستی که به آنها تحویل می‌شود، از کارگاه‌ها بازرسی کنند تا خدای ناخواسته حقی از بیمه‌شده‌ای که در بخش‌های مختلف اقتصادی اعم از تولیدی،

توزیمی، خدماتی و... فعالیت می‌کنند ضایع نگردد. البته در گذشته نگاه سازمان به بازرسی، نگاه بعضا خشن و دور از انتظار کارفرما بود که آن هم، با بخشنامه اخیر بازرسی حل شده است امروز بازرسی وقتی به کارگاه مراجعه می‌کند، اولین کارش دیدار با کارفرماست و موظف است ضمن معرفی خود و صحبت با کارفرما، با همکاری و هماهنگی وی نسبت به لیست برداری از پرسنل شاغل اقدام و یک نسخه از گزارش بازرسی را تقدیم کارفرما کند. کجای این کار دردسر آفرین است؟ با باز خوردی که شخصا از کارفرمایان مختلف داشته‌ام از اجرای چنین برنامه‌ای در بازرسی‌ها، بسیار ابراز رضایت و ما را به ادامه چنین حرکت‌هایی تشویق می‌کنند. البته ممکن است در یک یا دو شعبه تعدادی از بازرسان توجه به بخشنامه جدید بازرسی نکنند و موجب ناخروندی کارفرما شوند که به محض اطلاع از چنین موضوعی حتما برخورد می‌کنیم. چون امروز، نگاه سازمان به کارفرما در راستای سه جانبه‌گرایی، نگاه تعامل و همکاری است و موفقیت‌های زیادی هم در جلب رضایت و مشارکت کارفرمایان به دست آمده است.

### کارگزاری‌ها و حجم کار شعب

مدیر کل تامین اجتماعی تهران بزرگ، در مورد سپردن بخشی از امور اجرایی شعب به کارگزاری‌ها می‌گوید:

سابقه تاریخی این طرح حدودا به ده سال قبل بر می‌گردد، اما به صورت جدی، در یک سال اخیر اقدامات ارزشمندی از سوی مدیریت ارشد سازمان جهت اجرایی نمودن این فکر به عمل آمده است و اولین آزمون انتخاب کارگزاران در بیست و یکم خرداد ۸۴ برگزار شد.

روزی فراج اضافه می‌کند: به اعتقاد بنده، با توجه به افزایش روزافزون حجم فعالیت‌های سازمان به عنوان بزرگ‌ترین متولی امر بیمه در کشور، سازمان ناگزیر است که بخشی از عملیات غیر تخصصی و حاکمیتی خود را به اشخاص حقیقی یا حقوقی، ارجاع نماید. در یک نگاه ساده این حرکت دو مزیت کاملا عینی دارد. اول این که با کمک گرفتن از افراد، بخش قابل توجهی از حجم کار شعبه کم می‌شود و همکاران شعب می‌توانند به امور اساسی‌تر و تخصصی سازمان بپردازند و از طرفی ارباب رجوع اعم از کارفرما و بیمه شده و مستمری‌بگیر می‌توانند به راحتی سرویس لازم را از سازمان دریافت کنند. علی‌الخصوص در کلان‌شهری مثل تهران که یکی از معضلات و مشکلات اساسی آن مسافرت‌های درون شهری و اغلب غیر ضروری است، این حرکت می‌تواند در کنار جلب رضایت مشتری و جلوگیری از جابه‌جایی‌های زاید درون شهری در سامان‌دهی امور شهری نیز بسیار موثر باشد. البته

هنوز خیلی زود است که در رابطه با کارگزاری‌ها قضاوت کرد. اما من خیلی به موفقیت این طرح امیدوارم و باورم این است که می‌تواند بخش عظیمی از مشکلات مبتلا به واحدهای اجرایی را کم کند و هیچ دلیلی برای این که مردم و کارگزاری‌ها به جان هم بیفتند وجود ندارد و هیچ کس قرار نیست از چاله در بیاید و در چاه بیفتد! بهتر است در قضاوت عجله نکنیم و کمی صبور باشیم!

### لیست غیر واقعی

**- بسیاری از کارگاه‌ها، حقوق بیمه‌شدگان را در لیست‌های ارسالی، پایین‌تر از مبلغ واقعی می‌نویسند و با این کار، هم درآمد سازمان کم می‌شود و هم حق بیمه شده ضایع می‌گردد. برای رفع این مشکل چگونه می‌توان چاره اندیشی کرد؟ آیا کارگزاری‌ها می‌توانند به ارقام واقعی برسند؟ در قالب کارگزاری چه اهم قابل قبولی برای احقاق حق بیمه‌شدگان دارید؟ آیا از لحاظ اجرایی، کارگزاران می‌توانند با کارفرمایانی که لیست واقعی نمی‌دهند برخورد قانونی کنند؟**

آیا تصور می‌فرمایید که کارگزاران سازمان از آغاز کار، با مشکلات روزافزون مواجه شوند؟ آیا همه جوانب امر را بررسی کرده‌اید یا منتظرید که مثل بسیاری از پروژه‌های دولتی ببینید در اجرا چه مشکلاتی پدید می‌آید و سپس به رفع اشکالات بپردازید؟

در مورد این که می‌فرمایید لیست‌های غیر واقعی بلی باید عرض کنم یکی از چالش‌های مهم پیش روی سازمان عدم درج دستمزد واقعی بیمه‌شدگان در لیست‌های حق بیمه می‌باشد البته نه همه کارگاه‌ها ولی تعداد آنها بسیار زیاد است و همین امر متاسفانه موجب کاهش منابع واقعی



سازمان می‌گردد که قطعا یکی از آثار چنین اقدامی عدم توانایی سازمان در آرایه بهینه خدمات می‌گردد منظور عمدتا پرداخت مستمری هاست. باید عرض کنم در کنار چنین حرکتی متأسفانه موضوع فرار بیمه‌ای هم یکی از چالش‌های عمده سازمان است. به طور مثال در تهران بزرگ برآورد ما این است که بیش از ۱۰ هزار نفر در کارگاه‌های مشمول تأمین اجتماعی تهران فعالیت می‌کنند ولی متأسفانه کارفرما از بیمه نمودن این افراد به علل گوناگون خودداری می‌کند که با یک حساب ساده به طور متوسط ماهیانه مبلغی حدود ۵۰۰ میلیون تومان پرداختی به سازمان به عنوان حق بیمه صورت نمی‌پذیرد. مثلا افرادی در صنایع و سیمان کار می‌کنند یا در بیمه‌انکاری‌های متعلق به نیروهای مسلح و کارگاه‌های دیگر. البته در بخش اول یعنی اعلام دستمزد کم، به نظر من نیاز به بازنگری و اصلاح قانون دارد. قانون باید طوری اصلاح شود که ذینفع یعنی بیمه شده آثار اعلام دستمزد واقعی را در برقراری مستمری که در آینده انتظار آن را دارد کاملا لمس کند و اما در رابطه با بخش دوم یعنی فرار بیمه‌ای، ضمن کار فرهنگی و اطلاع‌رسانی از سوی سازمان باید قدرت اجرایی سازمان افزایش یابد یعنی بتواند از کارگاه‌های اشاره شده در هر موقع که لازم می‌داند بازرسی کند. البته نقش کارگزارها در ارسال لیست بر مبنای دستمزد واقعی می‌تواند خیلی موثر باشد.

### آزمون و خطا

آقای روزی فراخ که حوصله فراوانی در پاسخ‌گویی به سوالات دارد و تحت هر شرایطی منافع سازمان را به عنوان امید همه مدیران و کارکنان تأمین اجتماعی می‌داند، معتقد است که پروژه کارگزاری‌ها را نباید در آغاز حرکت زیر سوال برد. باید حوصله به خرج داد و بعدا به قضاوت پرداخت. می‌گوید: این که اشاره کردید آیا طرح کارگزاری‌ها قرار است دوره آزمون و خطا را طی کنند این طور نیست زیرا از چند ماه قبل در دو شعبه ۲۷ و ۲۸ تهران کارگزاری‌ها به صورت پایلوت فعالیت خود را آغاز کرده‌اند و هدف از این اقدام، در واقع تعیین چارچوب حیطه فعالیت و همچنین بررسی معایب و محاسن طرح می‌باشد و نتایج حاصل از اجرای پایلوت قطعا در کارگزاری‌هایی که به زودی انشأ... فعالیت خود را آغاز خواهند کرد، به کار گرفته خواهد شد.

یک کارگزار که می‌خواهد جای مناسب، امکانات اداری، سخت افزار و نرم افزار... داشته باشد و پرسنل کارآمد را به کار گیرد، هر ماه لاف هفت میلیون تومان هزینه دارد در ضمن این که برای راه‌اندازی محل کارگزاری مبلغی در حدود ده میلیون تومان باید هزینه کند. این پروژه جدید الظهور برای کارگزار چه سودی در

بر خواهد داشت که هم بتواند همه هزینه‌ها را تأمین کند و هم مبلغی به عنوان سود خالص برای خودش بماند؟

همان طور که قبلا عرض کردم کارگزاری‌ها قطعا در شروع کار، با مسایل و مشکلاتی مواجه خواهند بود. اما به هر حال کارگزار، با اطلاع و آگاهی، برای همکاری داوطلب می‌شود و باید حداقل سرمایه اولیه را برای اجاره محل و خرید تجهیزات داشته باشد. این که سازمان بخواهد برای راه‌اندازی کارگزاری کمک کند فی نفسه خوب است و اگر لازم باشد در رابطه با نوع و نحوه کمک می‌توان بررسی‌هایی به عمل آورد. زیرا لااقل برای چند دوره این کمک می‌تواند نتیجه مثبت داشته باشد. البته، دیدگاه سازمان در رابطه با کارگزاری‌ها بحث انتقافی نیست بلکه بیشتر هدف این است که سازمان ما، مثل سایر سازمان‌های کشور از پتانسیل و توانایی‌های تخصصی همکارانی که با بیشتر از ۳۰ سال سابقه بازنشسته می‌شوند بتواند استفاده کند و طبعاً فردی که کارگزاری را انتخاب می‌کند، نباید دید کاسبکارانه داشته باشد و بیشتر به جنبه‌های با ارزش خدمت آن باید بیندیشد. بدیهی است که پس از کسر هزینه‌های جاری و سرمایه‌ای هر ماه مبلغی در حد متعارف برایش بماند، تا برای آرایه خدمت انگیزه داشته باشد.

- آقای روزی فراخ، جنابعالی که مدیر بسیار دقیق و کارآمد و انسانی پرا حساس و نازک دل هستید، آیا اتفاق افتاده که به عنوان مدیر کل سازمان در تهران بزرگ، از شعب تحت مدیریت خود بازدیدهایی به عمل آورید و از نزدیک با مشکلات بیمه‌شدگان و کارفرمایان و مستمری‌بگیران آشنا شوید و درصدد رفع آنها بر آید؟ مستمری‌بگیران و خانواده‌های آنان، از کمی دریافتی ماهانه و عدم تکافوی آنچه می‌گیرند، در برابر آنچه هزینه می‌کنند، گله‌مندند. چه برنامه‌هایی برای رفع مشکلات آنها دارید؟

آیا در سطوح بالایی سازمان در این مورد، چاره‌اندیشی‌هایی صورت گرفته است؟

خوشبختانه در سال گذشته همراه با معاونین و کارشناسان اداره کل و با حضور رییس شعبه و مسوولین قسمت‌ها ۹ مورد دیدار عمومی در روزهای پنجشنبه از صبح تا ظهر با ارباب رجوع شعب مختلف داشته‌ام که اقدام بسیار خوبی بود و بازخورد قابل قبولی داشت. در این دیدارها، با یک یک مراجعه‌کنندگان در محیطی کاملا صمیمی و خودمانی بحث و گفت‌وگو شد و ضمن حل و فصل مشکلات موردی، در ستاد اداره کل نیز موضوعات مطرحه از سوی ارباب رجوع، مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌گرفت و این گونه



تحلیل‌ها نتایج بسیار خوبی به دست می‌داد و معلوم می‌شد که مشکل عمده ارباب رجوع در کدام بخش و مربوط به چه دستورالعمل یا بخشنامه‌یی است که در برخی موارد نیز به سازمان مرکزی منعکس می‌گردید و اصلاح دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها را در روان‌سازی امور به دنبال داشت. البته قصد داریم که در آینده نزدیک این حرکت را در شعب مختلف سازمان احیا و اجرا کنیم. از طرفی با توجه به این که درب اتاق من همیشه به روی ارباب رجوع باز بوده و هست و این فرصت را داشته‌ام که از نزدیک با دردها و رنج‌ها و گرفتاری‌های عزیزان آشنایی بیشتری پیدا کنم و در واقع لحظه، لحظه‌ی این دیدارها آکنده از خاطرات تلخ و شیرین است. بارها با افرادی دیدار دارم که اعلام می‌کنند پدر خانواده مریض، مادر خانواده معلول، بچه‌ها گرفتار بیماری‌های خاص تالاسمی، هموفیلی و... هستند که هر انسانی را واقعا متاثر می‌کند و من بیشتر زمانی متاثر و متأسف می‌شوم که به خاطر مشکلات جاری و موانع قانونی نمی‌توانم به آنها کمک کنم. اما بدون شک شیرین‌ترین خاطرات من، مربوط به زمان‌هایی است که بتوانم اندکی از آلام و درد ارباب رجوع را کاهش دهم و آنها را در جهت رفع مشکلاتشان کمک و یاری کنم. البته پیوسته سعی داشته و دارم اگر به هر دلیل به ارباب رجوع به دلایل قانونی پاسخ نه بگویم در یک بسته‌بندی زیبا بگویم و توصیه و تاکید به مدیران شعب نیز همیشه این نوع برخورد بوده است.

در مورد مشکل کمی حقوق دریافتی مستمری‌بگیران هم باید بگویم که این تنها مختص سازمان تأمین اجتماعی نبوده و تمام صندوق‌های بیمه‌ای، دارای چنین مشکلی هستند. اما در مورد سازمان، عوامل مختلفی در گذشته موجب گردیده که امروز سازمان نتواند آن

طور که شایسته و بایسته است، حقوق‌ها را ارتقاء بخشید. البته، در یکی دو سال اخیر، حرکت‌های بسیار خوبی در جهت افزایش حقوق مستمری‌بگیرها به عمل آمده است. از جمله در سال‌های ۸۲ و ۸۳ در دو مقطع بالغ بر ۸۵ میلیارد تومان علاوه بر افزایش‌های عادی ماده ۹۶ به مستمری‌ها اختصاص یافت ولی با تمام این افزایش، اعتقاد دارم که اغلب مستمری‌بگیران سازمان، از کمی دریافتی، مشکلات زیادی دارند و در واقع تناسبی بین هزینه‌های زندگی و دریافتی‌ها وجود ندارد که امیدوارم با ارتقاء منابع، سازمان بتواند آن طور که در شان عزیزان است، مستمری‌ها را افزایش دهد. و این خواست قلبی همه همکاران، از مدیریت ارشد سازمان گرفته تا همکاران شعب می‌باشد.

### بدهی کلان کارگاه‌های بزرگ

آقای مدیر کل محترم! سازمان تأمین اجتماعی از برخی کارگاه‌های بزرگ مبالغ کلانی پستانکار است که بنا به ملاحظات خاص، قادر به وصول مطالبات خود نیست. در نتیجه طلبکاران کوچک سازمان - که تعدادشان بسیار است - غالباً موفق به وصول حقوق حقه خود نمی‌شوند و همیشه در حال گله و شکایت و آه و ناله هستند. جنباعالی چگونه می‌توانید این مشکل را الاقل در حیطه مدیریتی خود حل کنید؟ آیا قادر هستید و ملاحظه می‌کنید یا مصلحت نیست که وارد این گونه مقوله‌ها شوید؟ چطور یک کارخانه تولیدی یا موسسه خدماتی بزرگ می‌توانند میلیاردها تومان بابت حق بیمه کارکنان خود بدهکار باشند اما یک کارگر آسیب‌دیده از کارفرما، یا یک مستمری‌بگیر که در همه عمر با صداقت و درستی خدمت کرده نمی‌تواند مطالبات خود را وصول کند؟ جنباعالی این عدم تعادل بین عدل و انصاف از یک سو و ظلم و جور را از سوی دیگر چگونه می‌توانید توجیه کنید؟

متفکرانه و با چهره‌یی که نشان از جستجوی یک پاسخ قانع‌کننده است، لحظاتی مکث می‌کند و سپس می‌گوید:

در رابطه با بدهی‌های کلان کارگاه‌ها، باید خدمتتان عرض کنم که با تلاش همه جانبه‌ای که در واحدهای درآمد شعب صورت گرفته، به جز چند کارگاه بزرگ که دارای بدهی کلان هستند، در بقیه موارد، اداره کل تهران بزرگ توانسته کلیه مطالبات خود را وصول کند یا در آستانه وصول قرار دهد. البته، قانون بخشودگی سال ۸۲ نیز به این امر مهم کمک کرد و اگر بخواهم آمار بدهم در کل از هشت کارگاه بالغ بر چهل میلیارد تومان مطالبات معوقه داریم که امیدواریم با برنامه‌ریزی‌هایی که شده در سال جاری بتوانیم

تمام یا بخشی از مطالبات خود را وصول کنیم. روزی فراخ می‌افزاید:

من هیچگاه در انجام اموری که باید صورت گیرد، مصلحت‌اندیشی نکرده‌ام و عملکرد اینجانب طی پنج سال فعالیت به عنوان مدیر کل تهران بزرگ در زمینه‌های مختلف این ادعای مرا ثابت می‌کند. اما این که باید در امور با تدبیر و کیاست وارد عمل شد، لازمه مدیریت است و این قول را به افرادی که نگران مطالبات سازمان هستند می‌دهم که مطمئن باشند کلیه مطالبات بر حق سازمان در اداره کل تهران بزرگ وصول خواهد شد. و در رابطه با مطالبات یک کارگر، یا سایر افراد باید بگویم که بین مطالبات سازمان از کارفرما و حقوق حقه کارگر، سازمان تفاوت قایل است و به عبارت ساده‌تر، عدم اجرای تعهدات از سوی کارفرما، هیچ‌وقت رافع مسوولیت سازمان، در قبال بیمه شده نبوده و نیست و در عمل نیز هیچ‌وقت این اتفاق نیفتاده که ارایه خدمت به بیمه شده، در گرو مطالبات از کارفرمای بیمه شده باشد. (ان‌شاء...)

### مضار به یک سویه!

- بانک رفاه کارگران - که با ظرافت می‌خواهد خود را بانک همه جلوه‌گر کند و بر منابع خود بیفزاید - به عنوان طرف قرارداد جامعه نشر ظاهراً در چارچوب عقود اسلامی به گونه بی عمل می‌کند که زیننده شعایر اسلام و مسلمانی نیست. به عنوان مثال یک ناشر برای چاپ کتاب یا خرید کاغذ و مقوا - تسهیلاتی دریافت می‌کند که نام آن مضاربه است و در قانون، مضاربه یعنی مشارکتی که طرفین در سود و زیان آن شریک هستند. در حالی که کتاب‌های چاپ شده با تسهیلات دریافتی، به دلیل رکود بازار و هزار و یک دلیل دیگر فروش نمی‌رود و در انبار ناشر خاک می‌خورد. اما بانک هم اصل تسهیلات را از ناشر مطالبه می‌کند، هم بهره‌اش را و هم جریمه مرکبش را! این اعمال غیر شرعی در کدامیک از اصول و عقود اسلامی می‌گنجد؟ این چه جور مشارکتی است که یک طرف فقط سود کند و طرف دیگر ضرر در ضرر؟!

مدیر کل تهران بزرگ، که معمولاً در پاسخ‌گویی به سوالات ملاحظه کار نیست، در این جا سعی می‌کند که با ظرافت از کنار مساله بگذرد و می‌گوید:

پاسخ گفتن به مواردی که در سوال شما مطرح است در توان یا وظیفه من نیست، بهتر است، این سوالات را خطاب به مدیر عامل محترم بانک رفاه مطرح کنید و جواب قانع‌کننده را از خودشان بگیرید! اما یا توجه به پیشرفت تکنولوژیکی مبادلات در بانک، باید بگویم زیننده نیست که

یک مستمری‌بگیر سالخورده، برای دریافت حقوق ماهانه خود بعضاً ساعت‌ها در جلو برخی از شعب بانک صف بکشد و از این بابت، مراجعات و گله‌های بسیاری از سوی مستمری‌بگیران و نمایندگان آنان به ما منتقل می‌شود که امیدواریم با قولی که در رابطه با ایجاد حساب همراه قرض‌الحسنه داده‌اند این مشکل در آینده نزدیک بر طرف شود.

به عنوان آخرین سوال و حسن ختام گفت‌وگو از آقای روزی فراخ می‌پرسم.

- اگر اکنون که نزدیک به ۲۳ سال سابقه خدمت دارید، هفته دیگر حکم بازنشستگی‌تان صادر شود، آیا خانه نشین خواهید شد یا ترجیح می‌دهید به فعالیت اجتماعی دیگری بپردازید؟ خنده کنان و با چهره مصمم می‌گوید: اصولاً من در زندگی، فرد آرامی نبودم و همیشه تلاش و جنب و جوش را دوست داشتم حتی یک روز جمعه هم که در منزل هستم حوصله‌ام سر می‌رود چون عشق من کار است و اگر می‌بینید به لطف و عنایت پروردگار بعد از ۲۳ سال خدمت در سازمان هنوز می‌توانم بیش از ۱۲ ساعت در روز فعالیت نمایم آن هم در تهران بزرگ با مشکلات بزرگ، نشأت گرفته از همین عشق و علاقه به کار است. چه کاری بهتر از خدمت به بندگان صالح و مخلص و زحمتکش و اغلب نیازمند خدا سراغ دارید؟ من همیشه در نشست‌ها و جلسات به همکاران متذکر می‌شوم که لطف خداوند شامل حال من و شمای همکار شد تا در سازمانی به این مقدسی خدمت می‌کنیم. قدر لحظه لحظه این نعمت بزرگ خداوندی را پندارید و تافرصت خدمت دارید از خدمت صادقانه غافل نشوید. البته این شعار نیست و اعتقاد قلبی این است.

با این مقدمه عرض می‌کنم اگر عمری باقی باشد تاروزی که نفس و توان دارم بعد از بازنشستگی نیز فعالیت خواهم داشت البته اگر نیاز مادی نبود بهترین فرصت بود که بخشی از زمان را برای خودسازی و رسیدن به امور معنوی صرف کنم ولی چه می‌شود کرد که زندگی خرج دارد و تنها با حقوق مستمری آن هم با ۶ نفر عائله امور زندگی نمی‌چرخد البته من فرد قانعی هستم.

انشاء... در کنار کار و فعالیت بعد از بازنشستگی با توجه به این که در طول خدمت علی‌الخصوص در مدت ۱۰ سال آخر روزانه یادداشت‌هایی از فعالیت روزمره‌ام داشتم سعی خواهم کرد این یادداشت‌ها را دسته بندی و مدون نمایم و اگر کار خوبی از آب در آمد در اختیار دوستان و همکاران قرار خواهم داد. در رابطه با این که چه شغلی را بعد از بازنشستگی انتخاب کنم باید بگویم که یک مغازه کوچک کتابفروشی و لوازم‌التحریر فروشی راه‌اندازی خواهم کرد.

